

مردم ایران در راه سرنگونی رژیم موجود مبارزه می کنند

شماره صد و شانزدهم

پانزدهم مرداد ۱۳۵۳

ششم

غارت نفت، تاراج درآمد نفتی و خیانت های رژیم

های پیشرفته سرمایه داری را به صرفه جویی در مصرف نفت دعوت می کند. ولی علیرغم تمام این دعوی ها و دعوها، خود برای تأمین نیرو گاههای عادی و صنایع و اتومبیل های سواری کشور های امپریالیستی، به میزان صادرات نفت خام می افزایند و میخواهند با سرازیر کردن ده ها میلیارد دلار ارز به گاو صندوق های سازندگان نیرو گاههای اتمی، گران ترین نیروی برق را به مردم ایران تحویل دهند. رژیم میخواهد منابع نفت کشور را در مدتی کوتاه تر از طول حیات یک نسل بهدر دهد و حال آنکه در صورت بهره برداری معقول و اقتصادی، میتوانست چندین نسل مردم ایران را از لحاظ انرژی، ماده خام پر ارزش و با دوزنما و درآمد استوار و هتکافت تأمین کند. این خیانتی است عظیم نسبت به منافع مردم ایران.

تسلط انحصارها انحصار های نفتی بر اکتشاف، استخراج، صدور، حمل نفت خام، پالایشگاههای بزرگ و صنایع پتروشیمی کشور تسلط دارند. کوشش رژیم در جهت تسلط کردن هر چه بیشتر آنان بر منابع و صنایع نفت کشور است. تعداد کمپانیها و انحصار های نفتی و کشورهای امپریالیستی در کشور ما روز بروز بیشتر میشود و آنها هر کدام بر انبار های از نفت ایران جنگ می یازند و با انبانهایی از رفاهی منابع ملی رو بزرال میهن ما بر گزوت و قدرت خویش می افزایند. امریکا و انگلیس و هلند و فرانسه و آلمان فدرال و ایتالیا و ژاپن - این بزرگترین کشورهای امپریالیستی و صاحبان بزرگترین انحصارات جهان بیش از پیش بر منابع و صنایع نفتی کشور ما تسلط میشوند. شاه هر روز راه را برای فعالیت این کشور ها در بخش ازمناج نفتی و رشدهای از صنایع نفت میهن ما هموارتر میسازد. وی منابع و صنایع نفتی ما را به حراج گذاشته است. این خیانت عظیم دیگری است که رژیم شاه مرتکب میشود.

تاراج درآمد نفتی رژیم کنونی درآمد حاصله از منابع نفتی کشور را بصورت گوناگون از خرید سلاحهای جنگی گرفته تا اعطای وام و اعتبار، دوباره به کیسه انحصار ها و دول امپریالیستی باز میگردداند. دولت ایران سالانه میلیاردها دلار صرف خرید کالا از کشورهای امپریالیستی میکند، میلیاردها دلار در راه تدارک سلاحهای نظامی بهتر سیده و پیکم مالی کشورهای امپریالیستی و سازمانهای مالی آنان که دهها سال میهن ما را غارت کرده اند، بزمیخیزد. میلیاردها دلار به انگلیس و فرانسه و بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و سایر کشورها وام و اعتبار میدهد. دولت ایران بجای سرمایه گذاری در داخل کشور صد ها میلیون دلار صرف تقویت مالی انحصار های نظیر کروپ دنباله در صفحه ۲

عینی است برای پرده پوشی این خیانت بزرگ. فرایندجا بار دیگر از روی سیاست نفتی رژیم پرده برمیداریم. **غارت نفت** شاه مدعی بود که بجای نفت خام، فرآورده های نفتی و حتی آسپرین و پروتئین که ارزشی دهها برابر نفت خام دارد، صادر خواهد کرد. کشور

دیدار کمیته مرکزی حزب توده

ایران با کمیته مرکزی حزب

کمونیست فرانسه - دوست

صدیق مردم ایران

در ماه ژوئیه ۱۹۷۴ (مرداد ۱۳۵۳) ملاقات رسمی بین هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران و نمایندگان کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه انجام گرفت. طی این دیدار برادرانه هر دو هیئت نمایندگی در باره تحول اوضاع بین المللی و نیز در مورد اوضاع سیاسی ایران و فرانسه مذاکره کرده و تبادل نظر نمودند در پایان این ملاقات اطلاعیه مشترکی تنظیم گردید که حاکی از توافق کامل هر دو حزب در باره مسائل مطروحه است. متن کامل اطلاعیه مشترک دو حزب برادر در رادیوی بیگ ایران و شماره سوم مجله دنیا منتشر خواهد شد.

هیئت نمایندگی حزب توده ایران مراتب سپاس گذاری عینی حزب ما و توده های مردم ایران را بمناسبت پشتیبانی بی دریغی که از جانب حزب کمونیست فرانسه نسبت به مبارزات مردم ایران علیه امپریالیسم و رژیم ترور و اختناق شاه، همواره و بویژه بهنگام دیدار اخیر شاه از کشور فرانسه بنحو چشمگیر و همه جانبه ای تظاهر نموده است، ابراز داشت.

طی اطلاعیه مشترک، هیئت نمایندگی حزب کمونیست فرانسه سیاست تحریر آیز و تجاوز کارانه رژیم دیکتاتوری شاه را شدیداً محکوم نمود و ضمن تجدید مراتب همبستگی با حزب توده و پشتیبانی کامل از مبارزات مردم ایران، اعلام داشت که در آینده نیز برای پایاب دادن به شکست های غیر انسانی در کشور ما، آزادی همه میهن پرستان در بند و علیه تحویل اسلحه و مهمات جنگی بدولت ایران با تمام نیروی خود اقدام خواهد نمود.

هر دو هیئت نمایندگی به این نتیجه رسیدند که این دیدار در تحکیم هر چه بیشتر مناسبات و همکاری برادرانه بین دو حزب دارای تأیید بسزائی است.

نهم مرداد، روزی که قرار داد جدید نفت با کنسرسیوم بامضاء شاه رسید، صفحه تازه ای در کتاب پر لورق خیانت های شاه گشوده شد. تبلیغات پر صدا و بی طنین رژیم در سالگرد این روز نکین، کوشش

۱۴ مرداد و ۲۸ مرداد

(سالروز مشروطیت و کودتای ۲۸ مرداد)

نمیتوانند احکام شفاهی یا کتبی پادشاه را مستمسک قرار داده سلب مسئولیت از خودشان بنمایند. اصل ۶۴ تصریح میکند که «مجلس شورا یا سنا میتواند وزراء را تحت مؤاخذه و محاکمه درآورد». در اصل ۶۷ گفته میشود که «در صورتیکه مجلس شورای ملی یا مجلس سنا با اکثریت تامه عدم رعایت خود را از هیئت وزراء یا وزیری اظهار بدارند آن هیئت یا آن وزیر از مقام خود منزعزل میشود». باین ترتیب معلوم است که عزل و نصب وزراء نه با شاه بی مسئولیت بلکه با مجلسی است که نماینده مردم باشند. حال چقدر نفرت انگیز و شرم آور است که حکومت، یا بهتر بگوئیم شاه ایران برای مشروطیت که خود و پدرش آنرا لگدمال کرده اند، جشن بگیرد:

رضا شاه بوسیله «مجلس مؤسسانی» که اعضای آنرا فرماندهان ارتش انتخاب کرده بودند سه اصل ۳۶، ۳۷ و ۳۸ قانون اساسی را تغییر داد. همچنین اصل مربوط به فرماندهی کل قوا را بنحوی عوض کرد که فرماندهی کل قوا در دست او یعنی شاه باشد! رضا شاه باین دستبرد ها قناعت نکرد بلکه با حفظ صوری مشروطیت تمام قدرت را عملاً در دست خود متمرکز ساخت و کلیه آزادیها را از مردم سلب کرد. محمد رضا شاه در کتاب خود «مأموریت من برای وطن» چنین می نویسد: «یکی از نخستین کار های من در آغاز سلطنت این بود که مشروطه و دموکراسی را دوباره احیا کنم». یعنی آنچه را پدرش نابود کرده بود زنده کند! ببینیم این «احیاء کننده مشروطه و دموکراسی» با مشروطه و دموکراسی چه کرد؟

با اعلام حکومت نظامی پس از ۱۵ بهمن ۱۳۲۷، حزب توده ایران، بزرگترین حزب کشور را غیر قانونی اعلام کرد و تمام سازمان های دموکراتیک را تار و مار و صد ها نفر را زندانی نمود و در چنین شرایطی برای «احیای مشروطیت» مجلس مؤسسانی فرمایشی تشکیل داد و در محیط ترس و وحشت مجلس سنا را که ظرف چهل سال عمر مشروطیت تا آزمون وجود نداشت چون سنگری در مقابل مجلس دنباله در صفحه ۲

چهارم و بیست و هشتم مرداد دو سالروز است حکومت ایران در یک ماه آنها را جشن میگیرد: شش مشروطیت و دومی جشن کودتای امپریالیستی رداد. مشروطیت نتیجه جنبش انقلابی بورژوا - ایتیک ایران است که هدف آن محو رژیم بی قانون، طرد استعمار و برقراری آزادیهای ایتیک بود. هدف کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برض رژیم استبدادی، برقراری ساطه امپریالیستی بوب مردم بود که رژیم ناشی از آن در حال رژیم است فاشیستی و خود کامة شاه در رأس او گرفته و سه قوه مقننه، قضائیه و مجریه را ت خود متمرکز کرده است. در واقع ۱۴ مرداد ن مشروطیت و ۲۸ مرداد روز مرگ کامل آن است. این از مختصات حکومت بی آرم ایران است برای زایل و هم برای مرگ هر دو جشن میگیرد و شادی میکند!

مشروطیت که خونهای یک انقلاب خونین بود ل های ۱۲۸۵ - ۱۲۹۰ شمسی) قانون اساسی در آن قوای سه گانه قانونگذاری، قضائی و از هم تفکیک و «ناشی شدن آنها از ملت» نین آزادی عقاید، احزاب و اجتماعات و مطبوعات تصریح گردیده، بوجود آورد. بطور کلی این گرچه با مقتضیات زمان حال ما وفق نمیدهد، حال تا حد زیادی مظهر تمایلات آزادیخواهانه بران و نمودار نیروی آنها بر ارتجاع و استبداد سلطنتی در دوران خود میباشد. طبق این قانون ها جنبه تشریفاتی دارد و از هر گونه مسئولیت قوای سه گانه مبرا ست. اصل ۵۵ قانون میگوید: «کلیه قوانین و دستخط های پادشاه مملکتی وقتی اجرا میشود که بامضای وزیر رسیده باشد مسئول صحت منلول فرمان دستخط وزیر است». اصل ۶۰ تا ۶۴ میگوید که «وزراء مجلسین هستند و در هر مورد که از طرف یکی سن احضار شوند باید حاضر گردند و نسبت به که محول به آنهاست حدود مسئولیت خود را زند». اصل ۶۴ قانون اساسی میگوید: «وزراء

نوطه ای که شکست خورد

(در باره حوادث قبرس)

آب تاریخ ژنرال گریواس و سازمان تروریستی او کوشیدند با ایجاد یک هرج و مرج خونین در جزیره راه را بروی فاشیسم بگشایند. پس از مرگ گریواس نیکوس سامپسون که در شهر لندن سابقه حبس پنج ساله بجرم دزدی دارد و بنا به اعتراف خودش دویست زن و کودک را بدست خود کشته است، جانشین وی گردید. نیکوس سامپسون فاشیست، این گانگستر و جنایتکار حرفه ای را حامیان «دموکراسی» و «تمدن مسیحی» برگزیدند تا با کشتن اسقف ماکاریوس رئیس جمهوری قانونی، کرسی او را غصب کنند! برای نشان دادن سرشت تبه کارانه امپریالیسم کمتر میتوان نمونه ای از این بلیغ تر ارائه داد: «تو خود حدیث فصل بخوان از این مجمل».

دنباله در صفحه ۲

نوطه ای که سازمان جاسوسی امریکا بدست بود تیمتزیوس یوانیدیس (رئیس سازمان امنیت در قبرس تدارک دیده بود و هدف آن قتل اسقف یس رئیس جمهور قانونی قبرس و استقرار رژیم ی نیکوس سامپسون در این جزیره بود باشکست شد. دیکتاتوری خونین و نکین چند روزه ن سقوط کرد. یوانیدیس و دولت فاشیستی تکیه گاهش در آن مجبور به کنار گیری شدند. برای اجراء قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل دلی فاشیستی قبرس را محکوم و ضرورت استقرار ت مستقل و دموکراتیک آنرا تأیید کرد، در زیر آماده تر شده است.

کودتای قبرس که در اصطلاح دستگاههای ی امپریالیستی «عملیات پرزیدنت» نام گرفته واقع از سال ۱۹۷۱ زمینه چینی شده است. از

دست رژیم تجاوزگر ایران از ظفار کوتاه!

همچنان خواهند جنگید.

شاه که با تأخیر دریافته است که پیروزی رنجش ظفار آسان نیست، در کنار ادامه این جنگ فرساینده از یکسو به لاف و گراف. در باره «جنگجویی نیرو های اعزامی ارتش ایران پرداخته، و از سوی دیگر فعالیت وسیعی را برای جلب رژیمهای ارتجاعی عرب در پشتیبانی از اقدامات خود در عمان آغاز نموده است. واقعیت آنست که هیچیک از کشورهای عرب که سلطان قابوس از آنان تقاضای کمک کرده، حاضر به اعزام نیرو برای دخالت در جنگ علیه میهن پرستان ظفار نشده و نه تنها حاضر به اعزام نیرو نشده، بلکه حتی ارتجاعی ترین رژیمهای عربی به اقدامات شاه در عمان با سوء ظن نگریستند، تا آنجا که سلطان قابوس در برابر تهرهای ملامت سران کشورهای عربی به دفاع از خود پرداخته و گفته است: «... در برابر دنباله در صفحه ۲

ارتش ایران بیش از پیش در ورطه جنگ پلید عمان فرو میرود. شاه، که روی خواب پیروزی نزدیک و آسانی و بی چون و چرا برای خود و قابوس میدید، جنبش آزادیبخش ظفار را «شورش صد نفر وحشی» نام نهاد. اما اکنون نزدیک به دوسال است که ارتش اعزامی ایران باشاره امپریالیسم امریکا و گوش به فرمان فرمانده انگلیسی ارتش قابوس، درگیر این جنگ است و خبری از رؤیای طلایی شاه یعنی محو جنبش ظفاریست. در این دو سال تعداد نیروهای مسلح شاه در عمان از ۶۰۰ نفر به بیش از سیازده هزار رسید. سیل اسلحه و مهمات از خاک ایران بسوی عمان جاری است. ارتش قابوس از ۲۰۰۰ نفر در عرض چند سال به ۱۲۰۰۰ هزار نفر افزایش یافته ولی آن «صد نفر» ادعائی شاه هنوز در برابر هزاران سرباز و افسرانگلیسی و عمانی و ایرانی و غیره میچنگند و تا بیرون راندن معجزه از خاک خود و محو رژیم قرون وسطائی عمان است.

سرنگونی رژیم موجود شرط مقدم حرکت جامعه به جلو است

شماره ۱۱۶ - اوت ۱۹۷۴

دوره ششم

دنباله از صفحه ۱

۱۴ مرداد و ۲۸ مرداد

شورا برپا کرد، اصل ۴۸ قانون اساسی را بدینطوریک تغییر داد که شاه میتواند هر يك از مجلسین شورا و سنا را جداگانه و یا دو مجلس را در آن واحد منحل سازد. با این تغییر دو اصل دیگر قانون اساسی (پانزدهم و سی و هشتم) را که برای قلمرو آزادی نمایندگان مجلس و مصونیت آنها از ارباب و تهدید وضع شده عملاً نقض کرد. پس از تأسیس مجلس سنا برخلاف نص صریح قانون اساسی مجموع دو مجلس را بنام کنگره جانشین مجلس مؤسسان نمود.

کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد فرصت تازه‌ای بدست او داد تا برخلاف اصل ۴۹ قانون اساسی برای خود حق «و تو» در مورد کلیه قوانین از جمله قوانین مالی که سرنوشت دولتها بدان بسته و از مختصات مجلس است، بوسیله «کنگروه» بدست آورد. چندی نگذشت که یکباره عملاً طومار قانون اساسی را در هم پیچید و ادعا کرد که هنگام تعطیل مجلسین فرمانهایش حکم قانون دارد و بدینسان حق وضع قانون را که منحصرأ طبق اصل ۲۷ متمم قانون اساسی از حقوق مجلس است بخود اختصاص داد!

بدین ترتیب شاه با مفله کردن قانون اساسی تمام قدرت را در دست خود قبضه ص کرد و در يك كلام همه کاره شد. این کار بدانجا رسیده که شاه و دموکرات و کسی که سالها مدعی بود در ایران «دموکراسی» وجود دارد، بر ملا خود را قادر مطلق اعلام میکنند و بی پرده آزادی و دموکراسی را مضربحال جامعه میدانند و آن را بنام مسخره میکنند!

در اینجا فرصت آن نیست که بذکر تغییرات در قوانین جزائی و تشکیل دادگاههای نظامی بپردازیم. کافی است گفته شود که تنها در دو سال اخیر طبق آمار رسمی بیش از ۶۰۰ نفر از بهترین فرزندان مردم ایران را با این قوانین در پیادگاههای نظامی محکوم باعدام کرده‌اند که بیشتر آنها با اتهام به «قیام علیه مشروطه» تیرباران شده‌اند!

امپریالیستها، شاه و حکومت دست نشاندگان او میتوانند ۲۸ مرداد را برای خود جشن بگیرند زیرا این کودتا از سوئی باامپریالیستها امکان دارد تا به بعدهای باید خود بپرستند، منافع ملی شده نفت را غارت کنند و ایران را به بلوک نظامی «سنتو» کشانده باقرارداد دو جانبه نظامی باامپریالیسم امریکا پیوند دهند، بر شاهراههای اقتصادی و مالی ایران مسلط گردند، ایران را به پایگاه تجاوز و تعرض علیه همسایگان تبدیل نمایند، فرماندهی واقعی ارتش ایران را بدست خود گیرند، صدای خلقهای ایران را در گلو خفه کنند و از سوئی دیگر شاه و نوکران او و ارتجاع داخلی بر سوهو میلیون نفر مردم ایران فرمانروا و به رضای هوسهای پلید خود سرگرم باشند. اما برپا کردن جشن مشروطیت از طرف آنها جز دهن کجی ب مردم، توهینی بشدهای راه آزادی و استقلال ایران چیز دیگری نیست. آنها امروز ۲۸ مرداد را جشن میکنند و ۱۴ مرداد را هم بصورت مسخره آوری بنام سالروز مشروطیت حفظ میکنند ولی آیا ادامه این وضع برای شاه و یاران امپریالیست او امکان پذیر است؟ آیا در جهانی که رژیمهای فاشیستی، دیکتاتوری و پادشاهی مانند پرتغال، افغانستان، پاکستان و یونان و امثال آنها فرو میزنند و جنبش خلفا برای آزادی، استقلال و بهروزی هر روز اوج بیشتری میگردد، ایران میتواند يك مورد استثنائی باشد؟ ابتدا شرایط جهانی بسود خلفا بطور مداوم در حال دگرگونی است، جبهه‌های صلح و سوسیالیسم و جنبشهای ضد امپریالیستی هر روز نیرومندتر میشوند. ناراضی مردم ایران روز افزون است و علیرغم شرایط بسیار دشوار داخلی ایران، آتش مبارزه تیزتر میگردد، افق نزدیکی و همکاری نیروهای ملی و دموکراتیک روشن تر میشود و سرانجام روزی که در آن رژیم سلطنت استبدادی واژگون گردد دیر یا زود فرا خواهد رسید وظیفه مبارزان دیر ایران در چنین مشروطیت و یاد بود شوم ۲۸ مرداد تشدید مبارزه علیه رژیم و افشای آن بهر ممکن میباشد. ۱ گویا

دنباله از صفحه ۱

غارت نفت، تاراج درآمد نفتی و خیانتهای رژیم

میکند. چنانکه از گفتار روز ۵ مرداد ۱۳۵۴ رادیو تهرات برمیآید، دولت ایران فقط در سال جاری ده میلیارد دلار از درآمد نفتی کشور را بصورت وام و اعتبار و سرمایه گذاری در کشور های خارجی مصرف خواهد کرد. بازگرداندن درآمد ملی ما و به تاراج دادن منابع ارزی میهن ما خیانت دیگر رژیم حاکم بر سرنوشت مردم ایران است.

این چگونه منطقی است؟ رژیم که منابع ثروت و درآمد ملی ما را چنین بی پروا بر باد میدهد، برای توجیه خیانت های خود «منطق» خاصی بکار میبرد. دولت ایران گاه مدعی میشود که بکار انداختن درآمد هنگفت نفت در داخل کشور ایجاد تورم خواهد کرد، گاه میگوید که کشور ما به علت فقدان کارگر ماهر و تأسیسات زیر بنائی قادر ب جذب سرمایه های هنگفت نیست. در اینجا این سؤال منطقی پیش میآید: رژیم شاه که مدعی است ایران قادر به جذب درآمد اضافی، نفت نیست، چه اصرار و ایتنا و استخراج و صدور آن به کشور های امپریالیستی دارد، چرا دولت ایران ذخایر نفتی کشور را بمنظور بهره برداری صحیح تر و کسب درآمد بیشتر برای آینده ذخیره نمیکند؟ بلاوه رژیم که مدعی است ایران قدرت جذب سرمایه بیشتر ندارد، چرا میلیارد ها دلار از کشور های امپریالیستی امریکا و انگلیس و فرانسه و ایتالیا و آلمان فترال و ژاپن و غیره برای سرمایه گذاری به ایران جلب میکند؟ این اقدامات رژیم بر کدام منطق و بر کدام اصول اقتصادی مبتنی است؟

اینها همه بهانه است. دعای رژیم در باره خطر تورم و یا عدم قدرت جذب تمام درآمد های نفتی سفسطه ای بیش نیست. این ادعا که استفاده از تمام درآمد نفت گویا باعث تورم میشود، ادعائی است بی پایه. با استفاده صحیح از درآمد نفتی در داخل کشور بکار انداختن آن در راه رشد موزون و هماهنگ تمام فعالیت های اقتصادی و اجتماعی و تمام رشته های تولیدی، با اتخاذ سیاست مالی و پولی و بانکی و اعتباری صحیح، یعنی تمام آن چیزهایی که رژیم به علت هزینه های سرسام آور غیر تولیدی نظیر هزینه های نظامی و اداری و غیره تاکنون نتوانسته است انجام دهد، میتوان از بروز تورم در داخل کشور جلوگیری کرد.

در مورد جذب سرمایه نیز باید گفت که میهن ما برای بهره برداری از منابع متنوع و سرشار طبیعی و استفاده از نیروی کار فراوان که بخش قابل ملاحظه ای از آن در حال بیکاری و نیمه بیکاری است، برای رشد سریع اقتصاد کشور و بهبود وضع زندگی زحمتکش و بر انداختن قبح ماندگیها و نارسائیهای اقتصادی و اجتماعی به ده ها و صدها میلیارد دلار سرمایه گذاری نیاز دارد. برخی از دشواریهای موجود نظیر فقدان کارگر ماهر و کادرفنی و تکنیک و تکنولوژی معاصر که خود معلول سیاست ضد خلقی رژیم موجود است، دشواریهایی است که بخصوص با تکیه به کمکهای بی شائبه کشور های سوسیالیستی و با ایجاد مناسبات سالم و برابر حقوق با کشور های پیشرفته، در مدتی نه چندان طولانی میتوان بر آنها غلبه کرد.

باری، اینگونه دعای بی پایه سفسطه هائی است برای توجیه سیاست ضد ملی و ضد خلقی رژیم کنونی. شاه میخواهد از راه بازگرداندن درآمد نفت به انحصار ها و کشور های امپریالیستی کمک کند و در عین حال برای جلب سرمایه های امپریالیستی به کشور تضمین بوجود آورد و سرانجام با ایجاد پیوند بیشتر و عمیقتر میان منافع رژیم استبدادی و ارتجاع داخلی و انحصار ها و دول امپریالیستی، پشتیبانی هر چه بیشتر آنان را جلب نماید. این نیز خیانت دیگری است که رژیم شاه نسبت به منافع و مصالح واقعی میهن ما مرتکب میشود.

خیانت به منافع خلق های دیگر دولت ایران با استفاده از درآمد هنگفت نفت نقش پادسار سلاح بدست منافع اقتصادی و سیاسی و نظامی امپریالیسم را در خلیج فارس و مناطق همجوار آن به عهده گرفته است. رژیم شاه با استفاده از قدرت نظامی خود، بهیای از دست دادن ده ها میلیارد دلار (که میتوانست در راه پیشرفت اقتصادی و بهبود زندگی زحمتکشان ایران

دنباله از صفحه ۱

توطئه ای که شکست خورد

مجله «شیگل» منتشره در آلمان غربی جریان کودتا را چنین شرح میدهد: تنظیم نقشه کودتا چندین هفته طول کشید. دیپلمات روس، یوآندیس رئیس سازمان جاسوسی «اسا» دستور اجراء آنرا صادر کرد. این اقدام را به ژنرال کندیدایوس سپردند. وی برای انحراف نظر چند روز قبل از کودتا «بظاهر از کار خود استعفا داد و به آتن آمد. روز ۱۳ ژوئن هدف عمده این توطئه که قتل ماکاریوس بود از طرف دولت فاشیستی آتن رسماً تصویب شد. اما هدف سیاسی کودتا اجراء نقشه «آلوزیس» یعنی الحاق قبرس به کشور یونان بود و درست همین هدف دولت ترکیه را که همیشه مخالف این الحاق بود به واکنش نظامی وا داشته است و این چیزی بود که ظاهراً در حصل توطئه گران واشنگتن و آتن وارد نمیشد. واکنش ترکیه، جناح شرقی پیمان ناتو را دچار بحران و آشفتگی رسوا و مضحکی ساخت و بسیاری از نقشه ها را بهم ریخت.

پشتیبانی اصولی و محکم اتحاد شوروی در شورای امنیت از حقوق حق مردم قبرس برای استقلال و دموکراسی، امپریالیستها را که این بار کوشیدند در «جبهه مشترک» عمل نمایند و در لافه سالوسیه و موفی گریهای خاص خودشان سعی بلیغ بکار بردند تا موضوع را به نحوی مستعالی نمایند، عقب زد. در قطعنامه شورائی امنیت که با تضاد آراء تصویب شد، حقیقت بسود مصالح خلق قبرس که علیه بانده خون آشام سامپسون جلد مبارزه میکرد و در این مبارزه دو هزار قربانی داد پیروز شد. شکست فاشیستهای آتن و قبرس و اربابان امریکائی و انگلیسی آنها در امر پیش بردن توطئه، هنوز مرحله ای مقدماتی از يك روند فزاینده است. تحولات اخیر یونان که منجر به سقوط دیکتاتوری فاشیستی ساخت پنتاکون و سیاه شد و نیز وضع در جزیره قبرس باید بان سرانجامی که مطلوب خلق های این سرزمینهاست برسد. این نه فقط آرزو و خواست آنها، بلکه آرزو و خواست همه مردم جهانست. حوادث قبرس د یونان و بحران جناح شرقی ناتو در مدیترانه ثمره مستقیم تغییر تناسب نیروها در عرصه جهانی بسود صلح و برابری ایران جنگ و جنگ سرد و مظهر تازه ای از آنست. ما مطمئنیم که همین عامل مهم که تأثیر دائمی دارد در سیر آتی این روند اثرات خود را خواهد گذاشت. آری، آن دوران بی بازگشت سپری شده است که واشنگتن و لندن و دیگر همدستان امپریالیست آنها نمیتوانستند بسود زاهزنهائی غدارانه خویش در گستره جهان، هر زوری را که میخواهند بگویند و هر نقشه پست فطرتانه ای را که در سر دارند عملی کنند. ضعف و محدودیت امکانات آنها بیش از پیش روی دایره می افتد و برملا میشود.

حوادث قبرس مانند بسیاری حوادث دیگر سال های اخیر در جهان، درسهای گویا و عبرت انگیزی است که در درجه اول باید چاکران ایرانی امپریالیسم را از مستی بیخودانه اشان بیدار کند.

۱. س.

مصرف شود) به سرکوب جنبش های آزادیبخش در منطقه خلیج فارس و توطئه و تحریک علیه ملل و خلق های عرب و کرد و بلوچ در کشور های همسایه و علیه کشور های مترقی و ضد امپریالیست در این منطقه پرداخته است.

رژیم شاه با استفاده از درآمد نفت، علاوه بر نقش ژاندارم منطقه همچنین نقش دستیار امپریالیسم را بمنظور ایجاد رخنه اقتصادی و اعمال نفوذ سیاسی میان کشور های در حال رشد آسیا و آفریقا به عهده گرفته است. شاه با به عهده گرفتن این نقشهای خرابکارانه عملاً به صورت «دوچه» امپریالیسم در آسیا و آفریقا در آمده است. این خیانت عظیم دیگری است که رژیم شاه علیه جنبش آزادیبخش خلفا و در آخرین تحلیل علیه منافع ملی مردم ایران مرتکب میشود.

تمام اینها حقایق رسوا کننده است که هر کدام به تنهایی محکومیت رژیم را در برابر مردم ایران و خلقهای دیگر نشان میدهد. دعای خود ستابانه

دنباله از صفحه ۱

دست رژیم تجاوزگر ایران از ظفار کو

شرکت نیروهای ایران در کنفرانسهای عمان در منطقه ظفار تبلیغات کمونیستی حقایق را در این تحریف کرده است. ... عمان حق داشته است از ایران چنین کمکی دریافت کند، چون ایران يك کشور اسلامی و علاوه بر این يك کشور و همسایه است. ... (اطلاعات ۸ خرداد ۵۳). بیانات اخیر وزیر اطلاعات عمان در مصاحبه مطبوعاتی با روزنامه «الجمهوریه» چاپ قاهره بروشنی نشان میدهد که رژیم عمان علت دخالت دادن ایران در جنگ مورد انتقاد سران کشورهای عربی است. اطلاعات عمان میگوید: «موقعی که سلطان نشین یمن، از کارشناسان انگلیسی استفاده کرد، بعد پایتخت های عربی اعتراض کردند و موقفی که از افزایش استفاده کرد باز هم ... اعتراض نمودند. این صدای تازه ای میشود. دایره ای اینکه ... کار شناسان کشور همسایه و اسلامی خود در این استفاده میبرد. ... (اطلاعات ۶ خرداد ۱۳۵۳) اما چه کسی نمیداند که این «کار شناسان» نیروهای اعزامی ایران هستند که دوش بدوش فر انگلیسی ارتش عمان علیه میهن پرستان ظفار میجنگد. علیرغم کوششهای پرمایه شاه تا کنون فقط يك نفر از سران رژیمهای ارتجاعی عرب به تأیید دخالت رژیم محسوب نمیشود. افکار عمومی جهان عرب با قاطعیت مداخله رژیم شاه را در عمان محکوم جنبش دلیران ظفار پشتیبانی میکند.

شاه بدنبال کوششهای خود برای جلب، مرتجع برخی از کشورهای عربی، به دگرگون جلوه جنبش میهن پرستان ظفار پرداخته و ناگهان «خواب» شده وادعا میکند که کوبانی ها با او پیوند میهن پرستان ظفار علیه سلطان قابوس میچینند! او با دروغ پشیمانانه میخواهد باصلاح دخالت پلید خود در جنگ عمان توجیه کند. در جنبش میهن پرستان در گوشه ای از جهان بحق و بدون هیچ تردید پشتیبانی جامعه کشورهای سوسیالیستی و در اول تکیه که نیرومند آن اتحاد شوروی است و همین تکیه گاه نیرومند و مطمئن است که شاه و عناصر ارتجاعی جهان را بخود میبازراند. اما میان پش جماعه کشورهای سوسیالیستی از جنبش آزادیبخش و دروغها و سفسطه های جاسارچیا تبلیغاتی رژیم، نقضات از زمین تا آسمان است. این پشتیبانی نه فقط در مقابل سیاست تجاوزگر امپریالیسم و ارتجاع منطقه قرار دارد، بلکه در امپریالیسم و ارتجاع رهبران مائوئیست چین است جنبش رهائی بخش ظفار را رها کرده، برعکس تسلیم شاه و سیاست تجاوز کارانه او را تقویت و تأیید میکند جنگ ویتنام درس آموزنده ای است.

ترین نیروی نظامی امپریالیستی در بیکار با خلق و که برای آزادی و استقلال خود میجنگد فرو مانده قضیعت تمام نا گزیر به عقب نشینی شد. از ارتجاعی شاه با امکانات محدود نظامی و سیاسی و رورس منوی عالمگیر خود حقیرتر از آنست که بتواند اراده خلق ظفار برای آزادی و بهروزی پیروز سازد رژیم که خود بحکم تاریخ محکوم به زوال است میخواهد رژیم روبرو را دیگری را از ستونجات در این کوری است که عصا کش کور دگر شده است.

مینو

توجه

آدرس حساب بانکی ما در برلن دموکرات برای خوانندگان نشریات توده در جمهوری فدرال آلمان نیست. دریافت کنندگان نشریات در جمهور فدرال آلمان لطفاً بهای نشریات را بحساب بانکی که در استکهام حواله فرمایند.

شاه و تبلیغات سفسطه آمیز چاکران وی نتوانست نخواهد توانست مبارزان راه آزادی و استقلال میهن را بفریبند.

مسعود